



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۴/۱۹

رسول پویان

ستاره در شب یلدا

من در سکوت تیره و تنها گریستم
همچون ستاره در شب یلدا گریستم
بیرون نشد ز داغ دلم سوز الوداع
در لاله زار غم کش سودا گریستم
افتادم از جفای فلک در خم شراب
پای پیاله ساغر و مینا گریستم
روشن نشد چراغ امیدی به شهر دل
از بیم شام مبهم فردا گریستم
بگریخته عدل و داد ز آیین روزگار
بر بی خیال مردم دنیا گریستم
در شهر تنگ و تیره شده ناق طاقتم
با یاد کوه و دامن صحرا گریستم

خونین دلم که هیچ نشد دردم آشکار
لیکن به حال دخت هریوا گریستم
دیروز اگر نبود مرا چشم تیز بین
شادم که با دو دیده بینا گریستم

عمر شبان خسته و دلگیر سر رسد
زنداد غم شکستم و دریا گریستم

پایان

